

مکاتبات و نامه‌های

میرزا علی اصغر خان اتابک امین السلطان

با مظفرالدین شاه

به کوشش سعاد پیرا و علیرضائیک نژاد

فهرست نویسی پیش از انتشار کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

سرشناسه:	پیرا، سعاد ۱۳۴۷، گردآورنده.
عنوان و نام پدیدآور:	مکاتبات و نامه های میرزا علی اصغر خان اتابک امین السلطان با مظفرالدین شاه به کوشش سعاد پیرا، علیرضا نیک نژاد
مشخصات نشر:	نشر تاریخ ایران، ۱۳۹۹.
تعداد صفحات:	۳۰۸
شابک:	۹۷۸-۹۶۴-۸۶۸۷-۴۵-۰
موضوع:	وضعیت فهرست نویسی: فیبا. ۹۷۸-۹۶۴-۸۶۸۷-۴۵-۰
	امین السلطان، علی اصغر بن ابراهیم، ۱۳۲۵-۱۲۷۵ق، نامه ها.
موضوع:	Iran, History, Qajar, 1779-1925, Sources.
شناسه افزوده:	نیک نژاد، علیرضا، ۱۳۵۶، گردآورنده.
شناسه افزوده:	نشر تاریخ ایران.
رده بندی کنگره:	DSR ۱۳۹۹
رده بندی دیویی:	۹۵۵/۰۷۴۶
	شماره کتابشناسی: ۵۸۲۸۶۵۵



نشر تاریخ ایران (شرکت سهامی خاص)

تهران، خیابان فلسطین، ساختمان ۱۱۰، طبقه سوم، شماره ۳۰۴، تلفن: ۶۶۴۶۳۰۳۰

مکاتبات و نامه های

میرزا علی اصغر خان اتابک امین السلطان با مظفرالدین شاه
به کوشش سعاد پیرا و علیرضا نیک نژاد

اجرا:	نشر تاریخ ایران
طرح جلد: فریبا علایی	چاپ و صحافی: الغدیر
چاپ دوم: ۱۳۹۹	تیراژ: ۱۰۰۰
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۸۶۸۷-۴۵-۰	ISBN: 978-964-8687-45-0
قیمت:	۶۵،۰۰۰ تومان
حق چاپ محفوظ و در اختیار نشر تاریخ ایران است.	

فهرست مندرجات

۷	مقدمه: امین السلطان به روایت راویان معاصر
۱۸۹	مقدمه تاریخی
۱۹۷	متن نامه‌ها و مکاتبات
۲۸۷	فهرست منابع مقدمه اول
۲۹۰	تصاویر
۳۰۱	فهرست اعلام



مقدمه

امین‌السلطان به روایت راویان معاصر

میرزا علی اصغر خان ملقب به امین‌السلطان یا «اتابک اعظم»، از رجال متنفذ، مقتدر و سیاست‌باز دوران قاجار به شمار می‌آمد که در دوره سلطنت سه پادشاه؛ ناصرالدین‌شاه، مظفرالدین‌شاه و محمدعلی‌شاه حیات داشت و به صدراعظمی رسید. در دودمان قاجاریان با توجه به مختصات و ساختار ملوک‌الطوایفی قدرتمند آن که به مرور ظواهری ضعیفی از دنیای مدرن‌فرنگی در آن بنا به نیاز و ضرورت‌های شخصی و اجتماعی جای باز می‌کرد، کمتر کسی می‌توانست در زمانی نسبتاً طولانی، در مقاطع مختلفی از حکومت‌مداری سه پادشاه، تجربیاتی متمایز از دولت‌مداری را در منصب صدارتش به چالش کشد و سرانجام در یک بزنگاه چالشگاه تاریخی کشوری جانش را بستانند. مسلماً امین‌السلطانی که در دوره ناصرالدین‌شاه سال‌ها در دربار، وزیر دربار اعظم و سه سال صدارت عظمای رسمی و ملقب داشت، با شخصیتی که در جلو مجلس در دوره مشروطه قبل از استبداد محمدعلی‌شاهی ترور شد، به لحاظ مشخصه‌های روانشناختی شخصیتی، تجارب فردی، تجارب سیاسی و تجارب جامعه‌شناختی از ساختار قدرتی که در آن کار می‌کرد، خصایص یکنواخت و یکسانی را در انبان نداشت. تاکنون در کتب مختلف از زوایای مختلف تاریخی و سیاسی به این شخصیت پرداخته شده است، بنابراین در این بررسی نیازی به پرداختن و دنبال کردن این مباحث دیده نشد، زیرا در تحقیقات قبلی مکرر انجام شده و نیازی به تکرار بحث نیست. به همین سبب این بررسی نگاه متفاوتی به مشخصه‌های شخصیتی این رجل سیاسی بر مبنای روایات رجال معاصرش را دنبال می‌کند و مسلماً با توجه به مختصات کار و زمانی که او در آن زندگی و طی طریق می‌کرده، گریزی از مباحث تاریخی و سیاسی آن نیست، بنابر

این به صورت بحثی پارالل با آن حرکت خواهد کرد. با این حال این بررسی سعی دارد نگاه جدید و متفاوتی را از نقطه نظر شخصیتی ارائه دهد و نقش نقل یا روایت در تاریخ از طریق روایتگری روایان معاصر به خواننده این متن انتقال دهد و امین‌السلطان را از طریق آن به طور مستقیم یا غیرمستقیم بازآفرینی نماید.

حال مختصری به تعاریف ارائه شده از روایت توسط محققان این بحث می‌پردازیم و اهمیتی که این تعاریف بر روی این بررسی می‌گذارد و در ادامه آن به بحث اصلی یعنی "امین‌السلطان به روایت روایان معاصر" خواهیم پرداخت و خواهیم دید که تعریف، تبیین و کارکرد روایت چه نقشی در بررسی یک شخصیت ایفاء خواهد کرد.

گزیده‌ای از مباحث نظری مطرح شده در باره روایت، تعریف و کارکرد آن

در ابتدا بحث‌های اولیه در باره "روایت" و "راوی" در داستان و بخصوص در حوزه نظری ادبیات مطرح شد. اما با گسترش مکاتیب و نظریات مختلف در این حوزه، به مرور این بحث از حوزه داستان و قصه پا فراتر نهاد و قدم به حوزه‌های تحقیقات نظری از جمله فلسفه و سپس به حوزه‌های روانشناسی، جامعه‌شناسی و تاریخ کشیده شد. در حال حاضر نتیجه تمامی مباحث مطرح شده یک قرن اخیر، علاوه بر اینکه گسترش دیدگاه‌ها و نظریات را تأیید کرده است، بحث کارکردی دو سویه روش‌شناسی در روایت را نیز مطرح کرده و می‌کند، در واقع هم می‌توان از روایت در جایگاه تحقیق بهره گرفت و هم تحقیق را در جایگاه روایت مطرح کرد. نکته‌ای که می‌توان در اینجا بدان اذعان کرد، اینکه با گسترش مباحث نظری به حوزه‌های متدولوژی یا روش‌شناسی و تسری آن به رشته‌های غیرادبی نشان از اهمیت این بحث در تحقیقات جدید دارد و به عنوان یکی از روش‌های تحقیقات میان رشته‌ای کاربرد و محل تأمل دارد. با این پیش‌درآمد نظری بر تعاریف مطرح شده در باره روایت و کارکرد آن می‌افکنیم.

در حوزه تعاریف لغوی و معنایی، دهخدا "روایت" را «نقل یا واگویی کردن سخن و یا خبر را از کسی»^۱ بیان می‌کند. اما این بحث در حوزه‌های نظری بیرون از ایران دیدگاه‌های گسترده‌ای را برانگیخته است که به بخشی از آن می‌پردازیم.

۱. برای اطلاع نک: لغتنامه دهخدا، ذیل مدخل: "روایت".

در حوزه مدرنیسم برای توجیه بحث "روایت" و "روایتگری"، از عقلانیت و حقیقت مطلق و کاربرد روش‌های علمی در رویکرد واقع‌گرایانه و تجربه‌گرایانه بهره گرفته شده است. کوهن و شایرز از نظریه پردازان مدرن در این حوزه، بیشتر مفهوم "روایت" را به عنوان تعیین توالی زمانی می‌پذیرند و معتقدند که روایت یا بازگویی یک داستان، مجموعه‌ای از رخدادها در یک توالی زمانیست.^۱

در بحث‌های پست مدرنیسم، مفهوم "حقیقت عینی" را در روایت زیر سؤال می‌برد. فلسفه این بحث، بر ساختار بافتمند معنا و ارزش دیده‌گاه‌های مختلف تأکید می‌کند و اعتقاد دارد که دانش توسط مردم ساخته می‌شود و واقعیت از دیدگاه‌های مختلف تفاوت دارد و اساس حقیقت در زندگی روزمره و روابط اجتماعی انسان‌ها نهفته است. زندگی یک متن است، اما تفکر یک فعل تفسیری می‌باشد؛ حقایق و ارزش‌ها جدایی‌ناپذیرند و علم و همه فعالیت‌های انسان دارای بار ارزشی هستند.^۲ بنابر این با تأمل در واژه "روایت" دو رویکرد از آن برای مخاطب مطرح می‌شود. نخست، مشخصه‌های تعیین‌کننده روایت و دیگر، تبیین یا تفسیر کارکردی روایت برای انسان. به عبارت دیگر، روایت و چستی آن را می‌توان از دو منظر "تعریف" و "تبیین" قابل بررسی دانست. در رویکرد اول که بر محور تعریف حرکت می‌کند، شیوه زمانی یا تاریخی قابل بحث است.^۳ سیمور چتمن اعتقاد دارد که روایت،

1. Cohan, S & Shires, L. M., *Telling stories: a Theoretical analysis of narrative fiction*, New York: Routledge. Book sections. 1988, p 1.

و نیز نک: تولان، مایکل، درآمدی نقادانه و زبان‌شناختی بر روایت، بنیاد سینمایی فارابی، تهران، ۱۳۸۳، صص ۶۱-۱۹؛ و نیز: ابوالفضل توکلی شاندیز؛ دکتر سیدحسن اسلامی اردکانی؛ دکتر سیداحمد فاضلی، "مهمترین رویکردها به تعریف روایت و عناصر آن با نگاهی میان‌رشته‌ای"، فصلنامه علمی-پژوهشی نقد ادبی، سال ۹، شماره ۳۶، زمستان ۱۳۹۵، ص ۵۵.

۲. برای اطلاع نک: محسن نوغانی و اعظم عباچی، "روایت در جایگاه تحقیق و تحقیق در جایگاه روایت: نکات اشتراک و افتراق"، فصلنامه علمی-پژوهشی روش‌شناسی علوم انسانی، سال ۲۳، شماره ۹، بهار ۱۳۹۶، ص ۱۴۴.

۳. برای اطلاع نک: ابوالفضل توکلی شاندیز؛ دکتر سیدحسن اسلامی اردکانی؛ دکتر سیداحمد فاضلی، "مهمترین رویکردها به تعریف روایت و عناصر آن با نگاهی میان‌رشته‌ای"، فصلنامه علمی-پژوهشی نقد ادبی، سال ۹، شماره ۳۶، زمستان ۱۳۹۵، ص ۴۲، و نیز برای اطلاع بیشتر نک: صص ۷۱-۴۱.

حاصل تلاقی گفتمان و داستانست. او بین داستان و گفتمان روایی تمایز قائل می‌شود و به عنوان یک ویژگی شاخص، متن روایی را در مقابل سایر متون قرار می‌دهد و اعتقاد دارد که منطق زمانی دوگانه روایت، آن را از دیگر متون متمایز می‌سازد، به عبارتی او روایت را نیازمند حرکت در طول زمان، هم به لحاظ بیرونی و هم از جنبه درونی می‌داند و بیان می‌کند که حرکت در طول زمان به لحاظ بیرونی بعد گفتمانی و به لحاظ درونی بعد داستانی به روایت می‌دهد و روایت بدین ترتیب کارکرد دارد. او متون غیرروایی را حاوی توالی زمانی درونی نمی‌داند و ساختار بنیادین آنها را ایستا و بی‌زمان می‌داند.^۱

اما جرالد پرنس "روایت" را بازنمایی حداقل دو رویداد یا وضعیت در یک گستره زمانی مشخص می‌داند که هیچیک پیش‌فرض یا پیامد دیگری نباشد.^۲ او تعریفی نو از روایت به مخاطب ارائه می‌دهد و آن را «بازگویی یک یا چند رویداد واقعی یا خیالی، توسط یک یا چند راوی به یک یا چند مخاطب می‌داند».^۳

شلومیت ریمون کنان "روایتگری" را زنجیره‌ای از وقایع داستانی می‌داند و برای تعریف آن، دو پیش‌فرض مطرح می‌کند. اول، فرآیند ارتباطی که از طریق روایت مانند پیامی از گوینده به شنونده یا مخاطب منتقل می‌شود و دوم، ماهیت کلامی

1. Chatman, Seymour, *Coming to Terms: The Rhetoric of Narrative in Fiction and Film*, Ithaca: Cornell University Press, 1990, p 9.

و نیز نک: ابوالفضل توکلی شاندیز؛ دکتر سیدحسن اسلامی اردکانی؛ دکتر سیداحمد فاضلی، "مهمترین رویکردها به تعریف روایت و عناصر آن با نگاهی میان‌رشته‌ای"، فصلنامه علمی - پژوهشی نقد ادبی، سال ۹، شماره ۳۶، زمستان ۱۳۹۵، ص ۵۴.

۲. برای اطلاع نک: ابوالفضل توکلی شاندیز؛ دکتر سیدحسن اسلامی اردکانی؛ دکتر سیداحمد فاضلی، "مهمترین رویکردها به تعریف روایت و عناصر آن با نگاهی میان‌رشته‌ای"، فصلنامه علمی - پژوهشی نقد ادبی، سال ۹، شماره ۳۶، زمستان ۱۳۹۵، ص ۵۴؛ و نیز: پرنس، جرالد، روایت‌شناسی، شکل و کارکرد روایت، ترجمه محمد شهباز، انتشارات مینوی خرد، تهران، ۱۳۹۱، ص ۱۰.

3. Pirnce, Gerald, *A Dictionary of Narratology*, Lincoln, NE: University of Nebraska Press, 2003, p 58.

و نیز نک: ابوالفضل توکلی شاندیز؛ دکتر سیدحسن اسلامی اردکانی؛ دکتر سیداحمد فاضلی، "مهمترین رویکردها به تعریف روایت و عناصر آن با نگاهی میان‌رشته‌ای"، فصلنامه علمی - پژوهشی نقد ادبی، سال ۹، شماره ۳۶، زمستان ۱۳۹۵، ص ۵۴.

این رسانه را مطرح می‌کند. او رخداد را وضعیت فرضی می‌داند که منجر به ایجاد تغییریی در این وضعیت پیش‌بینی شده شود و توالی غیرتصادفی زمانی آن را حاکی از ارتباط هدفمند وقایع می‌داند. او توالی زمانی را کمترین ضرورت یک رخداد برای تشکیل یک روایت می‌داند و اصل علیت را در اصل زمانمندی مستتر می‌بیند.^۱

از طرفی مایکل تولان تعریفی زبان‌شناختی از "روایت" ارائه می‌دهد که دارای ویژگی‌هاییست. او روایت‌ها را تکراری و از قبل طراحی شده می‌داند که خط سیر مشخصی را دنبال می‌کند و به سویی که انتظار آن می‌رود، حرکت خواهد کرد. هر روایت به یک راوی نیاز دارد و به گونه‌ای عمل می‌کند تا مخاطب، شاهد وقایعی باشد که از نظر زمانی و مکانی از او دورست. در واقع دیدگاه تولان به نقطه نظر ما در مفهوم "روایت" در تاریخ نزدیک است، زیرا او معتقد است که روایت بازگویی موضوعاتیست که از لحاظ زمان و مکان از ما دورند، راوی حاضر، و ظاهراً به مخاطب و داستان نزدیک است، اما وقایع دورند و بر داستان غالب‌اند.^۲

پورتر ابوت تعریف ساده‌تری از "روایت" ارائه می‌دهد و آن را بازنمود یک واقعه یا مجموعه‌ای از وقایع می‌داند، چیزی که باید اتفاق افتاده باشد. او توصیف یا برشمردن هر چیزی را روایت نمی‌داند و نیز گزارش‌های واقعی‌ایی که طی زمانی رخ داده و توالی مشخصی دارند را روایت نمی‌داند. بلکه او روایت را نوعی بازی در بیان این گزارشات می‌داند که قابل تغییر و انعطاف‌پذیرند. بنابر این ما به عنوان نویسنده به روایت فکر می‌کنیم، آن را مورد بحث و بررسی قرار می‌دهیم و سرانجام آن را رد

1. Rimmon-Kenan, Shlomith, *Narrative Fiction: Contemporary Poetics*, London & New York: Routledge, 2002, pp. 2, 19.

و نیز نک: ابوالفضل توکلی شانددیز؛ دکتر سیدحسن اسلامی اردکانی؛ دکتر سیداحمد فاضلی، "مهمترین رویکردها به تعریف روایت و عناصر آن با نگاهی میان‌رشته‌ای"، فصلنامه علمی-پژوهشی نقد ادبی، سال ۹، شماره ۳۶، زمستان ۱۳۹۵، ص ۵۵.

۲. برای اطلاع نک: تولان، مایکل، درآمدی نقادانه و زبان‌شناختی بر روایت، بنیاد سینمایی فارابی، تهران، ۱۳۸۳، صص ۶۱-۱۹؛ و نیز نک: ابوالفضل توکلی شانددیز؛ دکتر سیدحسن اسلامی اردکانی؛ دکتر سیداحمد فاضلی، "مهمترین رویکردها به تعریف روایت و عناصر آن با نگاهی میان‌رشته‌ای"، فصلنامه علمی-پژوهشی نقد ادبی، سال ۹، شماره ۳۶، زمستان ۱۳۹۵، ص ۵۵.

یا قبول می‌کنیم. اما بر مبنای نظر ابوت "روایت" تفسیر یا تعبیر حکایت است.^۱ با این حال اعتقاد کلاندینین و کونلی اینست که تحقیق روایتی قابل تغییر است و متناسب و منطبق با هر قالبی می‌شود که یک تحقیق روایتی سعی در انجامش دارد. او آن را دارای ریتم‌ها و توالی خاصی می‌داند که هر محقق روایتی باید تحقیق‌اش را منطبق با آن به پایان ببرد.^۲ با این حال رایزمن و اسپیدی به مخاطبان اخطار می‌دهند که نباید انتظار تعریف واضح و ساده‌ای از روایت داشته باشند تا تمامی کاربردهای آن را دربرگیرد.^۳

مهمترین بحث قابل تأمل را کولر ریزمن ارائه می‌دهد^۴ که از جهاتی با بحث این

1. Abbot, H. Porter, *The Cambridge Introduction to Narrative*, Cambridge: Cambridge University Press, 2002, p. 12, 428.

و نیز نک: تولان، مایکل، *درآمدی نقادانه و زبان‌شناختی بر روایت*، بنیاد سینمایی فارابی، تهران، ۱۳۸۳، صص ۶۱-۱۹؛ و نیز: ابوالفضل توکلی شاندیز؛ دکتر سیدحسن اسلامی اردکانی؛ دکتر سیداحمد فاضلی، "مهمترین رویکردها به تعریف روایت و عناصر آن با نگاهی میان‌رشته‌ای"، فصلنامه علمی-پژوهشی نقد ادبی، سال ۹، شماره ۳۶، زمستان ۱۳۹۵، ص ۵۶؛ و نیز نک: محسن نوغانی و اعظم عباچی، فصلنامه علمی-پژوهشی روش‌شناسی علوم انسانی، "روایت در جایگاه تحقیق و تحقیق در جایگاه روایت: نکات اشتراک و افتراق، سال ۲۳، شماره ۹، بهار ۱۳۹۶، ص ۱۴۶.

2. Clandinin, D. J., & Connelly, F. M., *Narrative inquiry: Experience and story in qualitative research*, San Francisco, CA: Jossey Bass. 2000, p97.

و نیز نک: محسن نوغانی و اعظم عباچی، "روایت در جایگاه تحقیق و تحقیق در جایگاه روایت: نکات اشتراک و افتراق، فصلنامه علمی-پژوهشی روش‌شناسی علوم انسانی، سال ۲۳، شماره ۹، بهار ۱۳۹۶، ص ۱۴۸.

3. Riessman, Catherine Kohler, Speedy, J., *Narrative inquiry in the Psychotherapy Professions: A critical review*, In Clandinin, D. J., Ed (*Handbook of Narrative inquiry: Mapping a methodology*, Sage) pp. 428, 456-426.

و نیز نک: محسن نوغانی و اعظم عباچی، "روایت در جایگاه تحقیق و تحقیق در جایگاه روایت: نکات اشتراک و افتراق، فصلنامه علمی-پژوهشی روش‌شناسی علوم انسانی، سال ۲۳، شماره ۹، بهار ۱۳۹۶، ص ۱۴۸.

4. Riessman, Catherine Kohler, *Narrative Methods for the Human Sciences*, CA, USA: SAGE Publications 244, pages, Volume 11, No. 1, Art 19.

و نیز نک: محسن نوغانی و اعظم عباچی، "روایت در جایگاه تحقیق و تحقیق در جایگاه روایت:

تحقیق مرتبط است. او مطابق با انواع مختلف روش‌های پژوهش روایتی، چهار رویکرد را در روش‌شناسی این بحث مطرح می‌کند که محققان حوزه‌های مختلف نیز می‌توانند برای گسترش بحث در روش‌شناسی در تحقیق در "روایت" و "راوی" از آن بهره‌گیرند.

۱. تحلیل موضوعی: این تحلیلی مشابه نظریه پایه‌ای یا زمینه‌ایست و تأکید بر زمینه موضوع دارد، مانند چگونگی بیان یا شیوه نگارش روایت. در این روش داستان بی‌کم و کاست بیان می‌شود و اغلب از مفاهیم نظری اولیه بهره‌گرفته می‌شود. در این شیوه معنای موضوعی و شناخت آن، نکته اصلی در "روایت"، به لحاظ صوری و نوشتاری خواهد بود.

۲. تحلیل ساختاری: در این بخش علاوه بر تحلیل محتوا، رویکردهای ساختاری در "روایت"، مدنظر قرار می‌گیرند و در واقع به دنبال بیرون کشیدن معنا یا مفهوم پنهان یا مستتر در "روایت" یا "روایات" هستند. ساختار در تحقیق می‌تواند ژانر، داستان یا صورتی بازشناختی از موضوع باشد و برای اینکه بفهمیم یک روایت چگونه ترکیب شده است، باید به جزییات صحبت‌ها توجه نمود. تمرکز بر شیوه و چگونگی سامانبخشی محتوا، می‌تواند به شناخت آنچه که در ورای نوشتار یا روایات وجود دارد کمک کند.

۳. تحلیل گفتگو یا تحلیل عملکردی (کارایی): سؤالی که در اینجا مطرح است اینکه چه کسی و در چه زمانی روایت می‌کند و چرا در "موضوع تحقیق" مورد توجه قرار گرفته است. در این بخش از تحلیل روایت یا داستان، به مبحث بر ساخت‌های اجتماعی تأکید می‌شود که بیشتر در جامعه و فرهنگ آن دقت دارد تا در فرد یا گروه. این رویکرد تحلیلی، ترکیبی از سنن و آداب مختلفی هستند که به مفهوم و ماهیت رابطه متقابل و واقعیت‌های اجتماعی تأکید دارد.

۴. تحلیل روایتی بصری: اما دیدگاه‌های مختلفی در باره کاربرد و کارکرد روایت در جایگاه تحقیق، و تحقیق در جایگاه روایت مطرح شده است و نشان می‌دهد که می‌توان این بحث را در متون علمی دیگر نیز دنبال کرد و بدین وسیله متون تحقیقی را نیز در این گستره به چالش کشید.

یکی از بحث‌های متأخر در بحث "روایت"، ظهور روش‌شناسی روایتی در زمینه پژوهش‌های علوم اجتماعی است. علوم اجتماعی بر تحلیل متن یا هرمنوتیک، تحلیل گفتمان و محاوره تأکید دارد.^۱ باید اذعان کرد که تمامی آموزه‌های روایی ما با داستان آغاز می‌شوند و تاریخ نمی‌تواند از "روایتگری" رهایی یابد. این حلقه از چرخه دانش بر نحوه دستیابی به گزارشی از واقعیت معطوف است، نه خود واقعیت، و تعقلی را که شامل استدلال برای چرایی و چگونگی دستیابی به واقعیت است را دربر می‌گیرد.^۲

نکته‌ای که لازم است علاوه بر مباحث نظری فوق، در این بررسی مطرح شود، اینست که مسلماً هر روایتی در ته‌نشست فکری راوی آن، اندیشه‌ای را از پس ذهن راوی به دنبال می‌کشد و آن را به طور ملموس یا غیرملموس در پس زمینه داستان یا "روایت" خود می‌خواباند تا بتواند نقطه نظر خود را به خواننده یا مخاطب خود آرام آرام مطرح و القاء نماید. این بررسی تلاش دارد تا ته‌نشست سخن را از روایت راوی یا روایتگر بیرون کشد تا به حقیقت یا واقعیت اساس داستان یا روایت نزدیک شود، آن را باز یابد و دوباره بازآفرینی نماید. ما روایات را از پس همین تونل‌های ذهنی دفن شده دنبال می‌کنیم، هرچند که تکه تکه در اینجا و آنجا توسط راویان مختلفی نقل و روایت شده باشند و ما مجبوریم آن را بصورت پازلی کنار هم چیده و وضعیت، افکار و اندیشه پس ذهنی راویان را در کنار آن مد نظر قرار دهیم تا از طریق آن امین‌السلطانی را درک نماییم که در میان لایه‌های پس ذهنی و نیز پس زمینه‌ای روایات راویان پنهان و مدفون شده است.

تأملی بر برخی منابع

در این بررسی منابع متفاوت و چند دسته‌ای وجود داشتند. روایاتی که به طور

۱. محسن نوغانی و اعظم عباچی، فصلنامه علمی - پژوهشی روش‌شناسی علوم انسانی، "روایت در جایگاه تحقیق و تحقیق در جایگاه روایت: نکات اشتراک و افتراق، سال ۲۳، شماره ۹، بهار ۱۳۹۶، ص ۱۴۵.

۲. محسن نوغانی و اعظم عباچی، فصلنامه علمی - پژوهشی روش‌شناسی علوم انسانی، "روایت در جایگاه تحقیق و تحقیق در جایگاه روایت: نکات اشتراک و افتراق، سال ۲۳، شماره ۹، بهار ۱۳۹۶، ص ۱۴۵.

مستقیم توسط رجال و اشخاص متنفذ هر دوره نقل شده که راویان آنها به نوعی خود بازیگر سیاسی زمانه بوده‌اند، مانند روزنامه‌خاطرات، وقایع‌نگاری‌ها، شرح‌حال‌ها و سفرنامه‌ها که البته هر کدام ویژگی و تقسیم‌بندی‌های مختلف و خاصی را دارند. برخی از منابع که تعدادشان محدود است و مبنای گاهشماری دقیقی را حفظ کرده‌اند، مثل روزنامه‌خاطرات اعتمادالسلطنه و سفرنامه‌های منتشر شده ناصرالدین‌شاه که روایات آن به روز، ماه و سال ثبت شده‌اند. دسته دیگری از خاطرات مثل خاطرات حاج سیاح که تداوم گاهشماری نسبتاً دقیقی را حفظ کرده و حداقل بر مبنای ماه و سال هستند. گرچه این گروه از منابع مسیر گاهشمار کامل قبلی را دنبال نکرده‌اند، اما دست کم از مشخصه ثبت زمانی کماکان نسبی برخوردار هستند و تقدم ثانی را در منابع دارند.

بخش دیگری از منابع که در این بررسی مورد توجه قرار گرفته، خاطرات رجال است که بعد یا فاصله زمانی از وقوع آن و بر مبنای یادآوری روایت به رشته تحریر درآمده‌اند. در اکثر آنها نه تنها شیوه گاهشماری دقیق رعایت نشده، بلکه بیشتر بر اساس یادآوری خط سیری از ابتدای زندگی شخص تا مقطعی که او لازم می‌دانسته است که آن را ثبت کند، ادامه می‌یابد. این دسته از خاطرات چون با یک طرح پیش‌زمینه‌ای قبلی توسط روایان، آن هم زمانی که دیگر منصب یا مقامی نداشته، نوشته شده‌اند. بنابر این به نظر می‌رسد که نگارندگان خاطرات با یک طرح پس زمینه‌ای "چرایی نگارش خاطرات" که در پس ذهن خود آماده کرده و سپس اقدام به نگارش آن کرده‌اند. احتمالاً بخش یا بخش‌های از روایات، بنا به دلایل تصادفی، فراموشی یا بنا به سلیقه شخصی راوی درز گرفته شده است. مانند خاطرات امین‌الدوله، عبدالله مستوفی، دولت‌آبادی و غیره. این دسته از خاطرات مبنایی عقلانی را دنبال می‌کنند و به نظر می‌رسد که راویان تا حدی پاسخگو یا توجیه‌کننده جریان‌ات یا وقایع سیاسی زمانه خود هستند و به عبارتی به همان "چرایی نگارش خاطرات" پاسخ می‌دهند. من این گروه از نوشتارها را "خاطرات یادآوری‌شده" می‌نامم. در هر حال هر کدام از این خاطرات روایاتی شخصی از وقایع و مسائل زمانه‌ای که شخص در آن زندگی می‌کرده است را روایت می‌کند که قابل توجه و تأمل هستند، اما همیشه و در همه حال نباید پس‌زمینه نگارش خاطرات و افکار پس ذهنی راوی که منبعث از مبنای فکری و عقلانی نگارش راویست را فراموش

کرد، به عبارتی همیشه بایستی انگیزه پنهانی را که راییان در خاطراتشان یدک می‌کشند را بایستی مد نظر قرار داد.

اما در این بین، بخش دیگری از خاطرات هستند که خط سیر یا توالی مسیر زندگی، شغلی یا سیاسی فرد را در متن دنبال نمی‌کنند، بلکه فقط بخش‌های گسسته‌ای از زندگانی فرد که اثری از آن در حافظه یا خاطره شخص به جای مانده را ارائه می‌دهد. این گروه از خاطرات‌ها از دو حال خارج نیست یا فرد بطور تصادفی هر آنچه را که بیادش آمده است را به رشته تحریر درمی‌آورد که من آن را "گزیده یا منتخبی از خاطرات" می‌نامم، یا اینکه فرد بنا به صلاحدید یا مصلحت‌اندیشی، بخشی از خاطرات را از حافظه ذهنی خود گزینش و ثبت کرده است که بر مبنای نظرش ثبت آن لازم، ضروری یا بنا به مصلحت می‌باشد که من آن را "خاطرات گزینشی" می‌خوانم.

از منابع دیگری که اعتمادالسلطنه به نگارش درآورده و در این بررسی استفاده شده است کتب خلسه یا خوابنامه، *الامائر والآثار* و *صدرالتواریخ* می‌باشد که کتاب اخیر در شعبان ۱۳۰۹ق یعنی حدود ۵۰ سالگی نویسنده به نگارش درآمده و دیباچه کتاب نشان می‌دهد به دستور امین‌السلطان یا وزارت عظمی کار انجام شده است.^۱ اما نویسنده در این کتاب برخلاف روزنامه خاطرات و کتاب خلسه به کرنش و تملق‌گویی می‌پردازد و در بخشی که مربوط به میرزا علی اصغر خان نه تنها از سرگذشت وی سخنی به میان نیامده، بلکه حتی از مناصب و مسئولیت‌هایی که طی دوران خدمتش تا این زمان داشته است، چیزی نمی‌نویسد. فقط مختصر و موجز تملق‌گویانه به صفات و کرامات وزیر پرداخته است: «... در سال هزار و سیصد هجری در سفر خیر اثر خراسان مرحوم محمد ابراهیم امین‌السلطان طیب‌الله تربته ترک این سراگفت... تمام مناصب و مشاغل آن مرحوم را که زیاده از چهل به شمار می‌آمد به حضرتش مفوض و منتقل و صنادید ایران به نام ذوالریاساتش شناختند... و وی آن کارها چنان بپرداخت که دوست و دشمن زبان ایران کوتاه کردند و در کاردانی و صفات کامله او سخن دراز نمودند...»^۲ و در جای دیگری از همین کتاب از صفات وزیر سخن می‌گوید و می‌نویسد: «... چه قصه جودش دراز است و

۱. اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان، *صدرالتواریخ*، به کوشش محمد مشیری، انتشارات روزبهان،

۲. همان، ص ۲۹۸.

تهران ۱۳۵۷، ص ۱۰.

فضلش زیاده از آنچه ز جعفر و یحیی گویند و رایات عقل و نقلش بیشتر از آنکه به عمیدالملک کندی و نظام‌الملک طوسی نسبت دهند...»^۱ اعتمادالسلطنه در جای دیگری از همین سرگذشتنامه در باره زمان وزارت اعظمی امین‌السلطان می‌نویسد: «... بی‌هراس توان گفت که قلب مبارک شهریار دانا را به منزله قالب شد و بر کل امور و مصالح جمهور به فطانت و معرفت غالب گشت و در سال هزار و سیصد و شش شاه خسروان... بعد چهل سال تحمل مقاسات کشورداری و شاهنشاهی... وی را منصب وزارت داد و بر قاطبه ارکان و دعایم کارکنان حوزه امارت مزیت نهاد و اتفاق و کار چنین افتاد که در همان سال موکب فرخنده کوکب مقدس به عزم ممالک فرنگ انتهاز فرمود... حضرت وزیر اعظم در این سفر سعید و رکضت میمون مقدم و سر حلقه کوکب همایون بود و با اکابر رجال هر دولت به وجهی تلقی و ملاقات نمود که جمله او را به جان و دل پذیرفتند...»^۲

همچنین منابع دیگری مثل وقایع‌نگاری‌ها نیز وجود دارند، مثل کتاب افضل‌التواریخ که گاهشماری نیم‌بندی در خود حفظ کرده و اغلب وقایع و رویدادهای سالانه را ثبت و ضبط نموده است. از منابع دیگری که در این بررسی استفاده شده است. همچنین منبع دیگر استفاده شده که در گروه خاطرات قرار نداشته، اما به دلیلی که روایتی را از امین‌السلطان ارائه می‌دهد، قابل توجه است، مثل کتاب رجال عصر ناصری اثر دوستعلی خان معیرالممالک که وی زمانی داماد امین‌السلطان نیز بود. این کتاب در ابتدا به صورت سلسله مقالاتی به سفارش حبیب یغمایی در مجله یغما منتشر می‌گشت که بعدها این مجموعه توسط نشر تاریخ ایران منتشر شد.

همانطور که گفتیم این بررسی بر مبنای روایات و نقل قول‌ها طراحی شده است و سعی دارد نقطه نظر و ابعاد فکری افراد را به تقابل با یکدیگر بکشد و تصویری بازآفرینی شده از امین‌السلطان ارائه دهد که توسط رجال معاصرش روایت شده بود. این تصویر ارائه شده منبعث از روایات با انگیزه‌های پس ذهنی راوی که بر مبنای روابط شخصی، ضوابط شغلی و غیرشغلی، موقعیت‌ها و مناصبات آن، زدوبندهای درون و برون درباری و نیز دوری یا نزدیکی افراد به شاه یعنی "اقتدار اختیارات تامه شاه" ترسیم شده است و مسلماً تمامی واقعیت امین‌السلطان را ارائه نمی‌دهد. به

همین سبب در این بررسی ناگزیریم هر جا که لازم شد، چکیده‌ای از زندگی شخصی و سیاسی برخی راویان را ارائه دهیم، تا نقطه نظر راویان و افکار پس ذهنی آنان را بهتر دریابیم.

همانطوری که گفته شد روایات بر دو گونه‌اند یا به شیوه مستقیم در خاطرات شخصی روزشمار درج شده‌اند، یا به شیوه یادآوری بخشی از خاطرات ثبت گشته‌اند یا در منابع و خاطرات به سبک نقل قول مستقیم و غیرمستقیم از یک شخصیت روایت شده‌اند. بنابر این روایان روایت در هر دوره‌ای یا بعد از آن، حتماً طرحی از نوشتار خود در پس زمینه داشته و تلاش می‌کردند که آن را با روشی خاص یعنی افکار پس ذهنی به خواننده متن انتقال دهند. این روایت یا روایات مطمئناً در ظاهر خواننده را از وقایع مطلع خواهد کرد، اما در پس آن از مسیر یک سخن خاص یا اندیشه ویژه، به شیوه‌ای نامحسوس خواننده را به سوی تحلیلی خاص هدایت می‌کند و به عبارتی روایت به شکلی زیرپوستی فکر راوی را به خواننده القاء می‌نماید. مهمترین دلیلی که این روش را برای بازآفرینی این شخصیت و سیاستمدار قاجار انتخاب کردم، اینکه او نیز از چنین مشخصه‌ای در گفتار و رفتارش بهره می‌گرفت، او هم همانند بسیاری از رجال همعصرش، با روایتگری خاصی که داشت، حامیان یا اطرافیانش را تعیین، همراه و هدایت می‌کرد. شاید این روش، شیوه‌ای از زمانه‌ای بود که او در آن می‌زیست.

تأملی در برخی راویان

همانطوری که گفته شد، اعتمادالسلطنه یکی از مهمترین روایان این بررسی، پسر چهارم حاج علی‌خان مقدم مراغه‌ای حاجب‌الدوله بود که در ۲۱ شعبان ۱۲۵۹ق/ ۲۵ شهریور ۱۲۲۲ش/ ۱۶ سپتامبر ۱۸۴۳م در تهران بدنیا آمد. او از محصلان اولین دوره دارالفنون به شمار می‌آمد که در رشته نظام تحصیل کرد. در حدود نه سالگی با حکم عزیزخان مکرری سردارکل به منصب وکیلی در رشته پیاده نظام درآمد و در سن ۱۲ سالگی مقارن ۱۲۷۱ق/ ۱۲۳۴ش/ ۱۸۵۵م جزو نوکران ولیعهد امیرقاسم خان^۱ درآمد. مقارن تولد امین‌السلطان در سال ۱۲۷۵ق/ ۱۲۳۸ش/ ۱۸۵۹م، پدر اعتمادالسلطنه ملقب به ضیاءالملک شد و حاکم خوزستان و لرستان گشت، بنابر

۱. او فرزند ناصرالدین‌شاه از همسرش جیران فروغ‌السلطنه بود.